روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۰ • ۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ • ۱۷ اکتبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم • شماره ۴۱۱۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۸:۰۱
اذان صبح فردا ۴:۴۰ • طلوع آفتاب ۶:۰۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

با گذشت بیش از سه سال از انتخاب شهر ساری به عنوان پایتخت گردشگری، بناهای تاریخی و دارای ثبت ملی به حال خود رها شده‌اند. عکس: سید ولی شجاعی، تسنیم

خبر

دُز سوم سینوفارم برای افراد ۶۰ سال به بالا

کمیته کارشناسان سازمان جهانی بهداشت با انتشار گزارشی اعلام کرد افراد ۶۰ سال به بالایی که دو دُز واکسن‌های چینی سینوفارم و سینوواک را دریافت کرده‌اند، باید برای تقویت سیستم ایمنی در برابر ویروس کرونا، دُز سوم را هم تزریق کنند. این نتیجه‌گیری بخشی از گزارش این کمیته درباره افرادی است که در اولویت دریافت دُز سوم هستند. پژوهش‌های مؤسسه جهانی بهداشت تا زمان حاضر تزریق دُز تکمیلی را برای همه افراد توصیه نمی‌کند. علاوه بر دریافت‌کنندگان ۶۰ سال به بالای واکسن‌های چینی، همه کسانی که بیماری دستگاه ایمنی دارند هم باید دُز سوم را تزریق کنند. کمیته کارشناسان سازمان جهانی بهداشت می‌گویند این افراد، فارغ از اینکه دو دُز اول چه واکسنی زده‌اند، باید برای بار سوم هم در برابر بیماری کووید۱۹ مایه‌کوبی شوند. تنها استثنا در این میان، دریافت‌کنندگان واکسن تک‌دُزی جانسون‌اندجانسون هستند. واکسن‌های چینی سینوفارم و سینوواک به ترتیب در ۷۰ و ۷۳ کشور جهان مورد استفاده قرار گرفته است. جو آشیم هوموباخ، دبیر اجرائی کمیته مشورتی کارشناسان سازمان جهانی بهداشت می‌گوید: «شواهد بسیاری وجود دارد که نشانگر کمبود مقاومت [دستگاه ایمنی] در میان دریافت‌کنندگان سالخورده و بسیار سالخورده این دو واکسن است». آلخاندرو کراویوتو، رئیس این کمیته تخصصی نیز می‌گوید بسیاری از داده‌هایی که به ما اجازه انتشار این نتیجه‌گیری را داد، از کشورهای آمریکای جنوبی جمع‌آوری شده است.

بیانیه

به‌جای معلول علت را نشانه بگیرید

سیدمصطفی محقق‌داماد

ان الذین امنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن وهم مهتدون

فاجعه دلخراش کشتار بی‌رحمانه عده‌ای بی‌گناه در شهر قندوز افغانستان برای تمام اعضای تمدن بشری اسفناک و مایه شرمساری است ولی برای جامعه دینداران دردآورتر و تأسف‌بارتر است؛ از آن جهت که این‌گونه فجایع تحت پوشش دین و به نام تقرب الی الله انجام می‌گیرد، آن‌هم به نام دینی که مؤمنین آن به خدایی باور دارند که عین سلام و رسالت پیامبرش(ص) گسترش رحمت، مهربانی و صلح است. در اینکه پشت پرده و مسبب اصلی این اقدامات جنایتکارانه دست‌های ناپاک قدرت‌های سیاسی و تشنگان قدرت وجود دارد تردیدی نیست و از ارباب قدرت فزون‌طلب جز حفظ منافع خود انتظار دیگری نیست. ولی مصیبت آنجاست که مباشرین مستقیم فریب‌خورده و قربانیان بدبخت سیه‌روزگار که با انفجار خویشتن موجب به خاک و خون کشیدن دیگران می‌شوند، به انگیزه رسیدن به بهشت برین، زندگی مردم بی‌گناه را به جهنم سوزان بدل می‌کنند؛ انگیزه‌ای که با تزریق جهل و شست‌وشوی مغزی توسط تشنگان قدرت فراهم شده است! آنچه در تزریق جهل و تسریع

این فجایع نقش مستقیم دارد، عنصر خطرناکی است به نام «تکفیر». تکفیر یعنی خود را واصل به حقیقت دانستن و دیگران غیرموافق خود را باطل و فاقد هرگونه حق حتی حق حیات دانستن و علاوه آن خود را مکلف به سلب حیات از آنان کردن! اینجانب ضمن آنکه خود را سوگوار این فاجعه انسانی می‌دانم و با تمام عزیزان افغان هم‌فغانم، با طلب رضوان واسعه الهی برای همه به‌خون‌خفتگان مظلوم، از بزرگان جوامع دینی عاجزانه می‌خواهم که به‌جای معلول علت را نشانه بگیرند و برای جلوگیری از تکرار این فجایع اسفبار، تکفیر را محکوم و تحمل و بردباری دینی و احترام به اندیشه دیگران را توصیه فرمایند. ندای ازلی و ابدی وما ارسلناک الا رحمة للعالمین (انبیا/۱۰۷) و وحدت خانواده بشری یعنی مفاد یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی (حجرات/۱۳) را تعلیم و آموزش دهند تا رسالت ادیان به جایگاه اصلی خود بازگردد.

تحلیل

مضرات تداوم احساس شنیده‌نشدن

دکتر حسین ساسانی
نظریه‌پرداز توسعه پایدار

وقتی به گذشته می‌نگریم، انباشتی از اشتباهات تأثیرگذار در زندگی خودمان و جامعه را مشاهده می‌کنیم، بدون اینکه بخواهیم از این اشتباهات، کشف جدیدی بکنیم و دیگر آنها را تکرار نکنیم. این اشتباهات مکرر بدون آنکه منجر به آموزه‌های جدیدی شود، بسیار زیاد و در همه حوزه‌های زندگی‌مان است؛ از سیاست تا اقتصاد، از اجتماع تا محیط زیست، از سلامت زندگی تا شفافیت اخلاقی، از تربیت کودکان تا بهادادن به جوانان! همه اینها یک سؤال را به ذهن متبادر می‌کند و آن اینکه راستی ما را چه شده است، در کدام مسیر زندگی گام می‌برمی‌داریم و هدف غایی زندگی ما چیست؟

به باور من، اصلی‌ترین دلیل این است که در نقصان‌ها و باورهای غلط‌مان تجدیدنظر نمی‌کنیم. شناسایی نقصان و کمبودهای آگاهی و معرفت شخصی، در را به روی تردید می‌گشاید. وقتی درک کنونی خود را زیر سؤال ببریم، کنجکاوانه به دنبال کشف نادانسته‌های خود خواهیم رفت. همچنین کاوش موجب مکاشفه‌های جدیدی خواهد شد و وقتی می‌بینیم که هنوز چقدر چیز برای آموختن داریم، تواضع فکری‌مان نیز حفظ می‌شود. اگر دانش یک قدرت است، پس آگاهی از نادانسته‌ها نیز نشانه خرد خواهد بود. باید طرز فکرمان را تغییر دهیم و جز این راهی نیست؛ طرز فکری بر مبنای طرز فکر دانشمندگونه که مبتنی بر تفکر علمی است. این نوع طرز فکر در ما سبب می‌شود که فروتنی را بر غرور، تردید را بر قاطعیت و کنجکاوی را بر ذهنیت بسته ترجیح دهیم. با خروج از طرز فکر دانشمندگونه، چرخه تجدیدنظر بر دانسته‌هایمان متلاشی می‌شود و راه را برای چرخه اعتمادبه‌نفس کاذب باز می‌کند. اگر به روش‌های توجیه‌پذیری کارمان (موعظه‌گری) روی بیاوریم، نمی‌توانیم خلأهای دانش خود را ببینیم و گمان می‌کنیم که همواره به حقیقت واقف هستیم.

برخلاف تردید، غرور می‌تواند عاملی برای ثبات رأی‌مان باشد و ما را مبدل به فردی می‌کند که فقط به دنبال اثبات خود است. به این ترتیب جرقه‌های سوگیری زاده خواهد شد و به‌تدریج روش‌های سیاست‌مدارانه به کار می‌رود که فقط به دنبال شکست‌دادن دیگران و ازبین‌بردن حقیقت است؛ درحالی‌که نیازمند معرفت هستیم و برای داشتن معرفت باید طریقت را پیشه خود کنیم.

وقتی طرز فکر دانشمندگونه را انتخاب می‌کنیم، آن وقت، شروع کارمان با پاسخ یا راهکارها نیست، بلکه پرسش‌ها و معماها هدایتگر ما هستند. با بدبینی به استدلال دیگران نمی‌نگریم، بلکه جسورانه استدلال‌های خودمان را به چالش می‌کشیم. این امر مستلزم جست‌وجوی مداوم برای کشف اشتباهات (نه کشف استدلال‌هایی برای اثبات درستی) و بازنگری دیدگاه‌ها بر اساس آموزه‌های جدید است.

تلاش برای عدم رهایی از اسارت در دام آگاهی کاذب و دانش سطحی که متأسفانه در میان سیاست‌مداران، اندیشمندان و مردم جامعه ما بسیار رایج شده است، سبب می‌شود ذهن‌مان را به روی مجهولات ببندیم. از قضاوت انسانی، مناسب و خوب دوری کنیم؛ درحالی‌که قضاوت خوب و تصمیم‌گیری درست، مستلزم مهارت و عزم برای گشودن ذهن است و ما از آن غافلیم. تجدیدنظر یکی از عادت‌های مهم زندگی است و روزبه‌روز هم مهم‌تر می‌شود. رسیدن به این ویژگی یعنی داشتن رویکرد دانشمندگونه در حل مسائل کشور و جامعه‌ای که هر روز در شرایط سخت‌تری قرار می‌گیرد، به هر شکل و با هر رویکرد، ساماندهی و برپاساختن یک نبرد همه‌جانبه و دشوار با داشتن یک عزم راسخ است و باور به اینکه وظیفه داریم دنیا را برای زندگی بهتر مهیا کنیم. نبرد با ناتوانی‌های خودمان و نبرد با تهدیدها و ناخواسته‌های محیط آشوبناک و عرصه‌های ناشناخته فرداست و آنچه ما را در این نبرد دشوار پیروز خواهد کرد، راستی، عشق، اعتماد و اعتقاد به مردم و هوشمندی در مقابل پدیده‌های ناپایدار، مبهم، پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر است. باید به دنبال ساختن سرزمینی باشیم که انسان‌محور و جامعه‌دوست باشد و تلاش کنیم بر اصالت و ارزش‌های بنیادین و در بستری از اعتماد، تنوع‌پذیری و همدلی تمرکز کنیم. بدون شک این نگاه، یعنی جست‌وجوی مداوم برای کشف اشتباهات و بازنگری دیدگاه‌ها بر اساس آموزه‌های جدید، سبب می‌شود مدیریت کارآمد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه و تحکیم یابد و شرایطی فراهم شود تا سرزمین ایران جای بهتری برای زندگی همه شهروندان فارغ از تفاوت‌های زبانی، نژادی، فرهنگی و تملایات سیاسی شود. آن‌گاه دریچه‌ای جدید به روی تعلقات و داستان‌های فراوان و بی‌پایانی که جهان برای ما دارد، می‌گشاییم تا از این طریق نسخه‌های بی‌شماری از فرزانگی را در خود بیابیم و با درهم‌شکستن تالاری از آینه‌ها که فقط خودمان را منعکس می‌کند، تصویری خوشایند از «عرصه‌بخشیدن و کامل‌زیستن» از زندگی داشته باشیم. وجود چنین دیدگاهی در هریک از ما سبب می‌شود تا به یکدیگر احترام بگذاریم و به همدیگر اعتماد کنیم، پندار، گفتار و کردارمان را بر دوستی و نیک‌خواهی استوار کرده و برای بهره‌مندی خود و دیگران تلاش کنیم و امکان پیدا کنیم که به افق‌های دور، حتی فراتر از زندگی خودمان چشم بگشاییم و توان و عظمت بالقوه خویش را به چشم خود ببینیم و دل از قطره برکنیم و به دریا زنیم. آن‌گاه درمی‌یابیم که هرچه در راه برکشیدن خودمان از وضعیت موجود به آینده مطلوب که همان توسعه پایدار، رفاه اجتماعی و تحقق عدالت همگانی است، مایه بگذاریم کم است.

شرط اصلی پرهیز از اشتباهات مکرر، گوش‌دادن به دیگران و شنیدن آنهاست. اگر تلاش برای شنیده‌شدن یک روی سکه باشد، روی دیگر تمایل به گوش‌دادن به‌ویژه از طرف دولتمردان و سیاست‌ورزان است. این دو به شکل جدایی‌ناپذیری با هم هستند. زمانی که متقاعد شویم کسی به اعتراضات و تقاضاهای ما گوش نمی‌دهد و به دنبال تکرار اشتباهات خودشان هستند، کمتر مایل به گوش‌دادن به دیگران خواهیم بود و به دنبال آن، تعامل در میان بخش‌های مختلف جامعه و طیف‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی متزلزل شده و زمانی که ارتباط از بین برود، همکاری، همدلی، اعتماد، دلبستگی، همزیستی و هماهنگی اجتماعی و همسویی حول یک چشم‌انداز ملی هم دچار آسیب خواهد شد.

به عبارت دیگر، احساس شنیده‌نشدن در صورتی که تداوم یابد و به امری عادی تبدیل شود، به‌تدریج گوش‌ها و بعد راه قلب‌مان را می‌بندد و راه را برای اشتباهات مکرر باز می‌کند. با گوش‌ندادن به دیگران، باعث می‌شویم آنان هم احساس کنند کسی صدای‌شان را نمی‌شنود. بعد این چرخه ادامه پیدا می‌کند و هر بار که یک دور می‌زند، همه چیز بدتر و کیفیت زندگی مردم به مراتب بدتر می‌شود و به‌جای پیشرفت عقب‌گرد می‌کنیم و در اشتباهات مکرر خود غرق می‌شویم.

وقتی ضرورت گوش‌دادن به نظرات مختلف را فراموش کنیم، اشتباهات تکرار می‌شود و یادگیری هم در ما متوقف می‌شود؛ چون چیز زیادی از یکدستی، تک‌صدایی و یکنواختی یاد نخواهیم گرفت. معمولا تفاوت‌ها و تنوع‌ها هستند که چیزهای زیادی به انسان‌ها یاد می‌دهند. وقتی یادگیری کم‌رنگ شود و کنجکاوی برای آموختن و داشتن شور و اشتیاق یادگیری دیگر فرهنگ‌ها از بین برود، نوآوری و خلاقیت هم از بین می‌رود و وقتی جامعه از ساختن و خلق‌کردن تهی شود، به سمت افول می‌رود.

زمین سبز

هزینه بالای مبارزه با گرمایش زمین

آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید اگر کشورها بخواهند بحران افزایش دمای زمین را کنترل کنند، باید تا سال ۲۰۳۰ میزان سرمایه‌گذاری در بخش انرژی پاک به سالانه چهار تریلیون دلار برسد. این آژانس گفته سال ۲۰۲۱ دومین سال بد از نظر میزان تولید گازهای گلخانه‌ای بوده است. آژانس بین‌المللی انرژی مستقر در پاریس یک نهاد مستقل است که در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در سال ۱۹۷۴ تأسیس شده است. این آژانس اعلام کرده بود نقشه راه کشورها برای کنترل افزایش دمای کره زمین را در سال ۲۰۲۱ منتشر خواهد کرد. قرار است در کنفرانس تغییر اقلیم گلاسکو در اسکاتلند درباره هدف مهار افزایش دما به ۱.۵ درجه مذاکره شود. آژانس بین‌المللی انرژی چاره را در این می‌بیند که سالانه میلیاردها دلار در بخش تولید انرژی پاکیزه خورشیدی یا بادی سرمایه‌گذاری شود. این نهاد مستقر در پاریس، برآورد می‌کند که سرمایه‌گذاری در بخش انرژی‌های پاک می‌تواند به ایجاد ۲۶ میلیون شغل جدید تا پایان این دهه میلادی منجر شود. طبق این برآورد، همه‌گیری کرونا بخشی از تلاش‌ها برای حذف سوخت‌های فسیلی مثل نفت و زغال‌سنگ را هدر داده است. گزارش‌های این آژانس از این نظر اهمیت دارد که «آی‌ای‌اِی» نه یک گروه زیست‌محیطی، بلکه یک اندیشکده بانفوذ است که در زمینه سیاست انرژی به دولت‌ها مشورت می‌دهد. آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش قبلی خود برای اجلاس گلاسگو گفته بود برای به صفر رساندن تولید گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۵۰ و از دست نرفتن فرصت جلوگیری از عواقب خطرناک گرمایش زمین، باید سرمایه‌گذاری در تمام پروژه‌های آینده سوخت فسیلی به‌طور کامل متوقف شود. «آی‌ای‌اِی» در گزارش ویژه‌ای برای اجلاس مهم اقلیمی «سی‌اوپی ۲۶» در گلاسکو، پیش‌بینی کرده بود که تقاضا برای سوخت‌های فسیلی «در سه دهه آینده به‌شدت افت خواهد کرد». یکی از پیشنهادهای این گروه این است که از سال ۲۰۲۱ به بعد هیچ نوع پروژه جدید میادین نفت و گاز تأیید نشود. این گزارش می‌گوید فروش اتومبیل‌های سواری با موتور احتراقی باید از ۲۰۳۵ متوقف شود و بازدهی انرژی در دهه جاری باید سالانه چهار درصد بهبود پیدا کند. این گروه می‌گوید افزایش سالانه ظرفیت تولید برق از خورشید و باد باید تا ۲۰۳۰ به ترتیب به ۶۳۰ و ۳۹۰ گیگاوات برسد. آی‌ای‌اِی گفت که انرژی پاکیزه و دسترسی به روش‌های پاکیزه پخت‌وپز تا سال ۲۰۵۰ می‌تواند آمار مرگ زودرس را سالانه ۲.۵ میلیون مورد کاهش دهد.